

بالجمله محررات در سعادت پوسته خانه سته
تصوف جریده سی نامه کوندر لیلیدر،
قو طو نومرو سی ۱۴۳

شرائط اشترا

سنه لکی ممالک عثمانیه ایچون
۳۰ غروش ، مصر و ممالک اجنبیه
ایچون ۷ فراقدر .

تصوف

صاحب امتیاز و سر محرری
اورفه مبعوثی

شیخ صفوت

مرکز توزیمی باب عالی جاده سنده
جمعیت کتبخانه سیدر

نسخه سی ۲۰ پاره در

التصوف کله آداب : ابو حفص عمر بن مسلمه

عرفای امتک مقالات عارفانه لرینه تصوفک صحیفه لری آچیقدر

تصوفه متعلق مباحث شتادن باحث و مکارم اخلاق اسلامیتک تعمیمنه خادم مجله مغنویه در

بشت پا اورسملر ، اوج عراقیه بی ، یدی جبهی بربری
اورزینه کیسملر بته درویش حقیقی اوله مارلر .

فی ۷ حزران سنه ۳۲۷

شیخ رمزی الرفاعی

مکاتبات صوفیه

قطب المحققین شهباش احمد غزالی حضرت تبرینک
مکتوب تبرینک بقیه سیدر .

هرزلت که باستغفار درد آمیز نشوینی دروی هلاک
شده کبر التوبه من غیر افلاخ سمة الکذابین والمؤمن یری
ذنبه کالجبل یقع علیه والمتافق یری ذنبه کالدباب یطیر منه .
ایمانی که ترا امروز از حرام باز ندارد فردا ازدوزخ کی
باز دارد . ان الله تعالی یحب الحاله المرتحل کاه در منزل
کلبینی یا حیرا وکاه در صحرای ارحنی یا بابل

وعطّل کنوسک الا الکبارا

تجد للصفار اناسا صفارا

شوریده کن آن دوزلف نابرخیم

در زلف تو آوزیم وشور انکیزم

معرفت ثمره علمست و اشنائی ثمره صحبت عبارت
جای دیگر است و کار جای دیگر . التکلام فی صفاء المعاملات
ملیح ولکنه فی الحقایق ریخ والمؤکلون بابواب المقال
لاخبر عندهم من هذه الاحوال .

قوموا الى الدار من لیلی نحبها

نعم ونسالها عن بعض اهلها

ان السلامة من سلمی وجاراتها

ان لا تحل علی حال بوادها

راه نایمست و منزل دور .

دل ربانی غیور و من ربخور .

قالی ضعیف ودلی بیچاره و جانی عاشق و ارادتی بکمال .

جز جان و جگر نیست شکار خورتو

زانست که هر سری ندارد سرتو

خواجۀ کائنات صلوات الله وسلامه علیه شبی بخفت
یکتار موی سفید دید و باز دیگر روز بر خاست هفت
تار موی سفید کشته بود پرسیدند که این چه حالتست
گفت دوش سوره هود علیه السلام بر ماعرض کردند این اثر
زخم آن خطابتست که فاستقم کما امرت نه کاریست که اگر
فوت نشود تدارک آن توان کرد اگر کوئی فار جعفا
نعمل صالحاً گویند خود ازا انجامی آبی . هر که مست
شراب الست نیست اورا خار شکنی بی سود ندارد .
نظهر بالله و خفی بالله . بوقت صبح خوش خفتن نه
شرطست همت در جان و هزیت در نفس و غنیمت
دردل میاید داشت و تن در مرک میاید داد که منزلگاه
کورستانست و آن لشکر کاهيست که کوش برکوس میدارند
ملك الموت دیوار افکند و قصص شکند هذه الاجساد
قصص الطيور او اصطلب الدواب اگر جان مرغ آشنا
شود چون آواز طبل ارجی الی ربک بشنود
پرواز گیرد و بر بلند تجانی نشیند اهتر العرش
بموت سعد بن معاذ . واکر و العیاذ بالله جان مرغی
بیگانه باشد واز جمله اولئك کالا نعام بل هم اضل بود
اورا از زاویه بهاویه برند . حسن بصری وقتی قدسی
آب بردست گرفت و یا زنهاده و نخورد و حالتی بروی
ظاهر شد از او پرسیدند این از چه افتاد گفت ذکر
امنیة اهل النار فی النار ان اقیضوا علینا من الماء او مما
رزقکم الله . یکی از مشایخ سالهایی هوش کشته بود از وی
پرسیدند که این از چه افتاد گفت . تفکرت فی سهر اهل
الجحیم . عجبا لضا حک من وراء النار ولغافل من واره
الموت . اگر بعد از سه روز از مرگ چهره خوب رویان
یئی پندارم که بعد از آن خرم و شادمان نشینی .

فن شاء فلینظر الی قنظری

نذیر الی من ظن ان الهوی سهل

هدویه زنی بود صالحه پس از مرگ بخوابش دیدند
بعد از چهل سال از حالش پرسیدند گفت هنوز معذبم که
شی فقیه چراغ مستان تافه بودم الم بأن للذين آمنوا
ان تخشع قلوبهم لذكر الله. ارضيتم بالحياة الدنيا من الآخرة
فما متاع الحياة الدنيا في الآخرة الا قليل .

عشاق بعشق دست بردند وشدند
دل را بغم عشق سپردند وشدند

کل يوم هوفی شان . کمر بندگی بز ناز کبری مبدل
کنند . استاد ابو علی دقاق رحمه الله تعالی بدر کایسانی
بگذشت وگفت : ولولا نعمة ربی لکننت من المحضرين .

الا طیب الجَنِّ و یحک داوئی
فان طیب الانس اعیاء دائیا

ندای هل من سائل بسحرکه هر آنست که : کانوا
قلیلاً من الدلیل ما به جمعون و عبدالله بن عمر را رضی الله
عنهما سید عالم صلی الله علیه وسلم میگفت نعم الرجل هو
لو کان یصلی باللیل و قالت ام سلمة رضی الله تعالی عنها لایس
بائی لا تكثر النوم باللیل فان كثرة النوم باللیل تدع صاحبه
فقیراً یوم القيامة ومن اللیل قتهجده نافلة ک امرست
وبالاسحار هم یستغفرون شکر والمستغفرون بالاسحار
ذکر ودر لقمه احتیاط بجای آرکه : ترک دائق من الحرام
خیر من عبادة ماتی سنة. ابراهیم بن ادم گوید: اطب مطعمک
ولا علیک ان تصلی باللیل ولان تصوم بالنهار . کثرت
بکناقمست وقرآن بدان ناطق واز صدان ناهی فلیضحکوا
قلیلاً ولیکوا کثیراً ومن یرد الله به خیراً اعطاه عینین
هطالتین وقال صلی الله تعالی علیه وسلم حرمت النار علی
ثلاثة عین سهرت فی سبیل الله وعین غضت عن محارم الله
وعین بکت من خشية الله وقد قیل عودوا عینکم البکاء
وقلوبکم التفکر وقال علیه الصلاة والسلام لسا جسد هذا
هو السجود فاین البکاء وقال صلی الله علیه وسلم دعة من
دموع العاصین تطفی غضب الرب وکان فی وجه عمر بن
الخطاب رضی الله عنه خطان اسودان من كثرة البکاء
واین حدیث ذوقست نه عبارت وطمعست نه اشارت .
ومن قال هذا الکلام بالاوقار فلیس له عند اهل المعرفة

سید عالم صلی الله علیه وسلم ابو ذر غفاری را میگفت :
جاور اهل القبور وزرها احیاناً یدکک الآخرة وشیع
الجنائز لعل ذلك یحرک قلبک و یحزنک فان الحزین فی ظل الله .
بکورستان عزیز ان برکذر با فکرتی و هو ان تجعل الغائب
حاضراً و یا عبرتی و هو ان تجعل الحاضر غائباً باشد که تاترا
راه نمایی کند .

وخل سبیل العین تدمع بالبکاء
فلیس لایام الشباب رجوع

بادر الفوت قبل الموت فتن دواعی المقت الغفلة عن الموعظة
وکل شی آدم خطاؤون وخیر الخطائین المستغفرون .

بزار شواز خود که زیان توتوی
منکر بستره کاسمان توتوی

اجعل باطنک لله وظاهرک للخلق . تن بصفت قارون می
باید دل بصفت موسی . بر کدشکان نکر سستی پیدا
ریست واز واما ندکان کسستی هشیاری . فردا هم کیسه
داران غصه خواران باشند وجهه فرمان دهان سرکردان.
ما غنی عنی مالیه هلك عنی سلطانیة لا تحسبن الا مهال
اهمالاً . فلانوم اثقل من الغفلة .

اذا الفی ذم عیشاً فی صباه
فما یقول اذا عصر الشباب مضی
وقد تموضت عن کلّ بمشبهه
فما وجدت لایام الصبا عوضاً

لقمان حکیم پسر خویش را پسندی داد گفت :
اسر لا تدری متی یلقاک استعمله قبل ان یفجاک

ولا خلاف بان الناس مذ خلقوا
فبا یرومون معکوس القوانين
اذ ینفق العمر فی الدنيا مجازفة
والمال ینفق فیها بالموازین

آن مردی در تابستان بخ می فروخت و کرمای مفرط
بود هر زمان آواز دادی : ارجو اعلی من رأس مال یدوب .

شد عمر و نشد ساخته کاری بمراد
در پیش رده دراز دارم بی زاد

صلی الله علیه وسلم یحولنا بالموعظة احياناً مخافة السامة علينا . وابن کاترا افتتاح بسی خبرات وسعادات دان وکلید بس کنجه شنانس . لعل قلبک یتبه فان امرک علیک مشته ومن استوی یوماه فهو مغبون ومن کان یومه شرامن امسه فهو ملعون ومن لم یکن فی الزیادة فهو فی نقصان .

تاریکترست هر زمانی شب من
یارب شب من سحر ندارد کوی

ای بزرگ جهان وای ملاذ دوستان ! اندر سفر عشق شدن آسانست پایان بردن کار جوان مردانست . خود را دریاب که آفتاب بغرب رسید و عنان مردم بگردید و مکارم اخلاق مندرس گشت و معالم صحبت منطمس .

ذهب الذین یعاش فی اکتافهم
وبقیة فی خاف کجلا الاجرب

بیشتر دوستان اخوان العلانیة واعدا السریه اند . مخلصترین برادران آن بود که : ان رأی منک سنیة اذاعها وان رأی منک حسنة دفنها . یالیتی لم اتخذ فلاناً خلیلاً یاددار . الاخلاء یومئذ بعضهم لبعض عدوا لا المتقین مکذبار . قل ان الموت الذی تفرون منه فانه ملائیکم . خواجه ازل وابد را صلوات الله وسلامه علیه چون در خاک نهادند فاطمه زهرا علیها السلام می گفت : کیف طابت نفوسکم ان تحنوا علی رسول الله صلی الله علیه وسلم التراب .

بزور وزر درین دنیا چون اهلان مشومغور
که تا برهم زنی دیده نه این بینی نه آن بینی

وسیعلم الذین ظلموا ای منقلب یتقلبون . یوم لا یفزع مال ولا بنون الا من اتی الله بقلب سالم . دع ما تسندم بعد علیه واقدم الی من تلجی الیه . تا خود چه تخم افکنده : اتاهدیناه السبیل اماش کراً واما کفوراً . بصد ساله زند کانی عذاب ابد خریدن خذلانست و بر ضای خلق سیخط خالق جستن حرمان . افلا یعلم اذا بعث مافی القبور و حصل مافی الصدور از خواب غفلت بیدار شو : من قبل ان نطمس وجوهاً فنزدها علی ادبارها با حق تعالی معمله بصدق کن و باخلق بحسن

مقدار . کحل عینک برود الحزن اذا ضحك البطالون وکن یقظاناً اذا نامت العیون فارق الناس قلوباً اقلهم ذنباً و سارع الی المغفرة قبل عدول المقدرة فالقلوب واعیة والاقلام جاریة والدعوة مسموعة والتوبة مقبولة قبل یوم التساب فان من ضیع حق الله فی صغره ضیعه الله فی کبره ومن خان الله فی السر هنک الله ستره فی العلانیة .

لا تذر عاجل المرور وبادر
فمسی ان یعود اولاً یعود

سمه خصلتست که هلاک مرد از انست شح مطاع و هو ی متبع و اعجاب المرء بنفسه شلی کوید رحمه الله تعالی که بخیل هرگز شهید نکردد که وی هرگز بترک نانی نکوید بترک جانی چکونه کوید و بزرگان روشن دل گفته اند : البخل شل فی الدیاسة زمانة فی رجل الرجولية صمم فی سمع الارحیة قدی فی عین المروءة بخر فی فم الفتوة قلع فی سن السیادة . و متابعت هوی مردیست و مغوی افرایت من اتخذ الله هواه و مباشرت محظورات و ارتکاب مناهی ازین خیزد . فمن اطال الامل اساء العمل . و اعجاب حجاب هدایتست و صاحب غوایت . ولولا انک استنصحتنی لما اقدمت علی هذا الابرام ولكن قال الله تعالی وان استنصروکم فی الدین فاعلیکم النصر . آنچه شرط نصیحت است بجای آوردن و این کلمات تذکره را نوشتم . و القم احد اللسانین ان لم یصبها و ابل فطل اکر صیاد ساحل کزرد ماهی مراد در دام میبذولست و اکر غواص در جل غوطه خورد جوهر فرد مأمول . اخ لك کلا لقیك ذکرک حظک من الله خیرک من اخ کلا لقیك وضع فی کفک دینارا . جمعت لازم ذات می باید تا نه از واردی زیاده و نه از حائل نقصان پذیرد چنانکه صفت دریاست . می خوان تا محاوره حاصل آید و تدبر میکن تا نماز جت ظاهر گردد و ترقی طلب از حالت رسی . چنانکه صدیق اکبر رضی الله تعالی عنه کوید : کان لسانی یوردنی فی الموارد فازلت اقول الله الله حتی اوردنی رضی الله عزوجل و کان یقول ان الله تعالی کلف من یلهم واستمع من یلهم و ابلی من یصفو . و توفی کن تا ملالت نیفزاید فقید قال ابن مسعود رضی الله تعالی عنه کان رسول الله

ادبیات صوفیه

بند

دکله ای قاره با کیزه ضمیر
 نه دیور باق قلم عبد فقیر
 سکا بندم بودر ای طالب نام
 قلبک اصلاحه ایله اقدام
 ایده کور ذکرله قلبی آباد
 مهبط وحی خدا اولدی قواد
 ارلری بیع و تجارت قطعا
 ایده من ذکر خدادن الهیا
 ما سوادن ایدرک قطع نظر
 قلبی ربط ایتمه در الله هنر
 عالمه صرف قیلوب انظار
 کوزت آنلرده جمال یازی
 ایله اذکار ایله ای مرد غیور
 خانه قلبی سراسر معمور
 قلبدر طوغریسی عرش الرحمن
 دوشون آرتق نه بیوکدر انسان
 آ کایت عشق و محبت املا
 اولدی دل چونکه نظرگاه خدا
 درر فیض خدای منان
 اولدی درج دل انساده نهان
 قلبی قیرمه صاقین انسانک
 استوامی آکادر رحمانک
 سوره فیلی اوقو بول توفیق
 اوله سن سنک زن بیت عتیق
 سه ایره منی ایندی ذلیل
 ضربه مدهش سنک سحیل
 غضب اللهدن ای یار چین
 کیمسه نك قلبی اینجتمه صقین

خلق تا امان یابی ویا میدزسی . کن ورعاً تکن اعبد الناس
 وکن قمعاً تکن اشکر الناس واجباً للناس ما تحب لنفسک
 تکن مؤمناً واحسن جوار من جاورك تکن مسلماً و اقل
 الضحک فان كثرة الضحک تبت القلب خلیل راعله الصلوات
 والسلام از بخانه آذر بین : بخارج الحی من المیت میخوان
 وکنعازا از سرای نوح سکر : وبخارج المیت من الحی
 میدان . اثبات آدم بین که زیان زلتش محو نکرد
 وحقو ابلیس تکر که اثبات طاعتش سود نداشت

بای نواحی الارض ابی وصالکم
 و اتم ملوک ما لمقصدمک محو

و چون حق تعالی بزبان کدایی پیغامی با شنایی فرستد
 تصرف آن کدا در میانه ایراد محض باشد

دلالة اگر چه خوب کردار بود
 در خلوت معشوق کرانبار بود

این نکات را بسمع دل شنو و بر لوح جان نویس و
 مرا دران واسطه مخلص و منی صادق دان . فن الناس
 من اذا سئل الهم ووفق وسدد . و لقاء اهل الخیر عمارة
 القلوب و کلامهم تحفة الغیوب و نصیحتهم عری عن العیوب .
 و کیف یفاح من لم یر مفلحاً . کن فی الدنيا ببدنک و فی
 الاخرة بقلبك . آبادانی عالم بچهار کسست عالمی که بعلم
 کار کنند و جاهلی که از آموختن تنک ندارد و توانگری که
 حق مال بشرع گذارد و درویشی که آخرت باقی را بدنیای
 فانی نفروشد .

شب رفت و حدیث ما بیابان نرسید
 شب را چه کنه حدیث ما بود دراز

حق سبحانه و تعالی توفیق رفیق گرداناد و سعادتمساعد
 و اقبال موافق . و بضاعت ایمان از اضاعت مصون
 و طاعت از ریا و سعه بیرون و عرض از مضار سوء مأمون
 و مدد الطاف هر روز افزون بتمه و فضله و عیم طول و نمود
 بالله من دعاء لا یسمع و قلب لا یخضع و بطن لا یشبع و علم
 لا یسقم و الحمد لله اولاً و آخراً و باطناً و ظاهراً و صلوات الله
 و سلامه علی خیر خلقه محمد و آله و اصحابه الطیین الطاهیرین
 آمین . اه .